

عوامل غفلت از نگاه قرآن

حجت الاسلام والمسلمین سید علی اکبر حسینی رامندی*

مقدمه

در میان نظام‌های اخلاقی، تفاوت‌هایی در تعریف مفاهیم اخلاقی و تعیین مصداق خوب، بد، باید، نباید و وظیفه اخلاقی وجود دارد. در مکتب‌های اخلاقی و حیانی، به‌ویژه نظام اخلاقی قرآن، «ذکر» و نقطه مقابل آن «غفلت»، از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و نقش بسیار مهمی در سعادت و یا بدفرجامی انسان دارند. پیامدهای جبران‌ناپذیر غفلت موجب شده است تا این رذیلت اخلاقی، بیش از هر رذیلتی در قرآن مورد توجه قرار گیرد. قرآن، تفکر را برترین نعمت الهی به انسان می‌داند؛ زیرا انسان با تفکر می‌تواند به فهم حقیقت نائل شود و از غفلت‌رهایی یابد. اصیل‌ترین حقیقت از منظر قرآن، آگاهی از وجود خدا و قیامت و اعتقاد راسخ به این مظاهر غیبی است. بر اساس تحلیل‌های قرآنی، شناخت و اعتقاد به این حقایق اصیل، زمانی دست‌یافتنی است که آدمی زندانی مظاهر محدود مادی نشده باشد: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ»^۱. در این نوشتار، عوامل غفلت از منظر قرآن بررسی می‌شود.

واژه‌شناسی قرآنی غفلت

«غفلت» در زبان فارسی به معانی مختلفی همچون فراموش کردن، سهو، بی‌خبری، نادانی، بی‌توجهی، بی‌پروایی، سهل‌انگاری، بی‌اعتنایی و سستی آمده است.^۲ غفلت در جایی به‌کار می‌رود که چیزی در ذهن موجود بوده، اما مورد توجه نباشد.^۳ بنابراین غفلت، نقطه مقابل توجه و

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. روم: ۷.

۲. علی اکبر دهخدا؛ لغت‌نامه دهخدا؛ ج ۱۰، ص ۱۴۷۷۴.

۳. عبدالله جوادی آملی؛ تفسیر تسنیم؛ ج ۱، ص ۴۰۵.

تفکر است.^۱

واژه غفلت و مشتقات آن، ۳۵ بار در قرآن تکرار شده است که در بسیاری موارد متعلق غفلت؛ «خدا»، «آیات خدا»، «دستورات خدا»، «خویشتن» و «قیامت» است. هدف اصلی آیاتی که در آنها غفلت از خداوند نفی شده است، تأکید بر علم و آگاهی کامل خداوند به همه حوادث جهان و نیز آگاهی نسبت به رفتارهای انسان‌ها و آثار تربیتی آن است.^۲

در آیه ۱۷۹ اعراف، معنای قرآنی غفلت و پیامدهای آن بازگو شده است. غفلت در مفهوم قرآنی، ناتوانی از درک حقیقت^۳ به دلیل بی‌توجهی به نعمت تعقل است. از منظر قرآن، والاترین آگاهی‌ها، اذعان به وجود خدا و قیامت و اعتقاد راسخ به این مظاهر غیبی است. خداوند به پیامبر خود فرمان می‌دهد تا از کسانی که خدا را فراموش کرده‌اند، روی برتابد: «فَاعْرِضْ عَنْ مَّن تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا».^۴ سپس به این نکته اشاره شده است که علم محدود آنان برای هدایت و سعادت‌شان کافی نیست: «ذَالِكَ مَبْلَغُهُمْ مِّنَ الْعِلْمِ»^۵ این آخرین حد آگاهی آنهاست».

برخی آیه‌های قرآن، کسانی را که در جهان محدود مادی محصور شده و حیات آخرت را از یاد برده‌اند، غافل و ناآگاه می‌نامد.^۶ «يُعَلِّمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ»^۷ آنها فقط ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند، و از آخرت (و پایان کار) غافلند».

در قرآن این واقعیت نیز بازگو می‌شود که غفلت، سرنوشت محتوم بسیاری از انسان‌هاست؛ کسانی که بی‌توجه به آیه‌های روشن الهی، همچنان در غفلت و بی‌خبری به سر می‌برند: «إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَنِ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ».^۸

در سوره قمر در شش آیه، این پرسش اساسی تکرار شده است: «فَهَلْ مِنْ مُدْكِرٍ».^۹ لحن و آهنگ

۱. حسن مصطفوی؛ التحقيق في كلمات القرآن الكريم؛ ج ۷، ص ۲۴۶.

۲. مقداد بن عبدالله فاضل مقداد؛ ارشاد الطالبین؛ ص ۲۰۶ و ۲۰۷.

۳. اعراف: ۱۴۶.

۴. نجم: ۲۹.

۵. نجم: ۳۰.

۶. نجم: ۲۹ و ۳۰.

۷. روم: ۷.

۸. یونس: ۹۲.

۹. قمر: ۱۵، ۱۷، ۲۲، ۳۲، ۴۰، ۵۶.

پرسش، نشان می‌دهد که پرسشگر امیدی به اندرزپذیری ندارد؛ زیرا مخاطبان این پرسش، در اعماق تاریکی غفلت فرو رفته‌اند.

عوامل غفلت

در نظام اخلاقی قرآن، غفلت یکی از مهم‌ترین آسیب‌های تربیت اخلاقی به شمار می‌آید. در این کتاب الهی، پیامدهای فراموشی و غفلت بیان شده است. از منظر قرآن، رذیلت‌های اخلاقی همچون هوای نفس، لذت‌جویی، توبه، سستی و تن‌آسایی، حسادت، بخل، خشم، وسوسه‌های شیطان، جلوه‌های دنیا و دنیاگرایی، وابستگی به ثروت، فرزندان و همسران، سستی ایمان، آرزوهای دراز، جهل و نادانی و بی‌اعتنایی به آرای دیگران، از عوامل ایجاد غفلت محسوب می‌شوند. در برخی آیات از عوامل غفلت‌زا، به دشمنان انسان تعبیر شده است. در اینجا به چهار عامل مهم غفلت‌زا که در قرآن مدار توجه قرار گرفته است، اشاره می‌شود:

۱. هوای نفس

نفس، واژه‌ای عربی است که در فارسی واژگانی مانند «خود» و «من» جایگزین آن می‌شود. مقصود از نفس، هویت فردی هر یک از انسان‌ها و وجه تمایز آنها از همدیگر است. در قرآن، مفهوم «خود» با واژگانی همچون «قلب»، «عقل»، «فؤاد»، «روح» و «نفس» بیان شده است. در قرآن با توجه با کارکردهای متنوع نفس، وصف‌های گوناگونی همچون «مطمئن»،^۱ «لوامه»^۲ و «اماره»^۳ برای این واژه به‌کار رفته است.

نفس مطمئن، همان نفس یا روح انسانی است که مراتب کمال را پیموده و به مقام ثبات و اطمینان بار یافته است. نفس لوامه نیز به معنای نفس ملامتگر است که انسان را در برابر خطا و گناه، نکوهش می‌کند.^۴ این اصطلاح برگرفته از این آیه است: «وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَامَةِ»^۵ و سوگند به [نفس لوامه و] وجدان بیدار و ملامتگر [که رستاخیز حق است]، برخی نفس لوامه را همان وجدان اخلاقی و حد فاصل نفس آماره و نفس مطمئن دانسته‌اند.^۶ نفس اماره نیز

۱. فجر: ۲۷.

۲. قیامت: ۲.

۳. یوسف: ۵۳.

۴. محمدتقی مصباح یزدی؛ آیین پرواز؛ ص ۲۶-۲۴.

۵. قیامت: ۲.

۶. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۳، ص ۵۹۵ و ۵۹۶.

بازگوکننده آن دسته از تمایلات نفسانی است که آدمی را به افراط و زیاده‌روی در لذت‌های مادی همچون خوردن، آشامیدن، تفریح، جاه‌طلبی، ثروت، قدرت و روابط جنسی ترغیب می‌کند. در نظام اخلاقی قرآن، نمی‌توان نیازهای ضروری و لذت‌های مشروع را نادیده گرفت. در آیات و روایات پیشوایان معصوم علیهم‌السلام، کسانی که از تمایلات معقول و مشروع مادی خود چشم پوشیده‌اند، نکوهش شده‌اند.^۱ تعیین حد و مرز برخورداری از لذت‌های مادی به عقل، شریعت و علم و اگذار شده است.^۲

قرآن نفس اماره را خطرناک‌ترین دشمن انسان می‌داند؛ دشمنی که در درون انسان برای گمراهی‌اش تلاش می‌کند. قرآن در توصیف این نفس سرکش، می‌فرماید: «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ»؛^۳ نفس [سرکش] بسیار به بدی‌ها امر می‌کند. نفس اماره، دشمنی است که حتی برگزیدگان الهی مانند حضرت یوسف صدیق علیه‌السلام که از مقام عصمت برخوردارند، از آن هراس دارند. آن حضرت درباره نفس اماره می‌فرماید: «وَالْأَنْفُ تُصِرُّ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنُّ مِنَ الْجَاهِلِينَ»؛^۴ [خدایا] اگر کید و مکر زنان را از من بازگردانی، به آنها میل خواهم داشت؛ و در صف جاهلان خواهم بود. جهل در این عبارت قرآنی «وَأَكُنُّ مِنَ الْجَاهِلِينَ» به معنای غفلت به کار رفته است.^۵ در اخلاق اسلامی نفس، دشمن‌ترین دشمن انسان معرفی^۶ و مبارزه با هوای نفس، به جهاد اکبر تعبیر شده است.^۷ مخالفت با نفس اماره، از واجبات شرعی و اخلاقی است.^۸

قرآن هواپرستی را منشأ غفلت و غفلت را ناآگاهی و ناتوانی از درک حقیقت می‌داند. آیه ۲۳ سوره جاثیه غفلت و محرومیت از آگاهی، یکی از مجازات‌های الهی شمرده است: «أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَغَلَّبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً؛ پس آیا دیدی کسی را که معبود خود را هوای نفس خویش قرار داد و با اینکه از حقیقت آگاه بود، خدا

۱. اعراف: ۳۲.

۲. ر.ک: محمدتقی مصباح یزدی؛ آیین پرواز؛ ص ۲۸.

۳. یوسف: ۵۳.

۴. یوسف: ۳۳.

۵. محمد عزت دروزه؛ التفسیر الحدیث؛ ج ۲، ص ۵۵۳.

۶. احمد بن محمد ابن‌فهد حلی؛ عدة الداعی و نجاح الساعی؛ ص ۳۱۴.

۷. محمدباقر مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۷۰، ص ۶۵؛ محمد بن حسن حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۱۵، ص ۱۶۱.

۸. محمود هاشمی شاهرودی؛ فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام؛ ج ۳، ص ۱۴۵ و ۱۴۶.

او را گمراه ساخت^۱ و بر گوش و قلبش مهر نهاد و بر چشمش پرده افکند؟». در فراز پایانی آیه، هواپرستی را نشانه غفلت دانسته و هواپرستان را با این پرسش توبیخی «أَفَلَا تَذَكَّرُونَ؟ آیا متذکر نمی شوید؟!» به یادآوری و رهایی از غفلت ترغیب می کند.

۲. شیطان

شیطان پس از نفس، خطرناکترین و زیانبارترین دشمنان بیرونی انسان است. مهم ترین هدف شیطان آن است که انسان خدا را فراموش کند: «اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ؛^۲ شیطان بر آنان مسلط شده و یاد خدا را از خاطر آنها برده است».

در آیه ۹۱ سوره مائده، ابتدا به برخی ابزارهای اغواگری شیطان اشاره، و هدف شیطان از این اغواگری بیان می شود: «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ؛ جز این نیست که شیطان می خواهد، با شرابخواری و قمار میان شما دشمنی و کینه بر پا کند» و در ادامه آیه، هدف اصلی شیطان بازگو می شود: «وَيَصْنَدُكُمْ عَنِ الذِّكْرِ وَاللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ؟ و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد». در این آیه نیز غفلت و فراموشی خدا، هدف اصلی شیطان معرفی شده است.

بر اساس آیه های قرآن، شیطان اعلام کرده است که قصد دارد از هر راه ممکن انسان ها را گمراه کند و این سخن خود را بارها با قسم و تأکید، تکرار می کند:

قَالَ فِيمَا أُغْوِيْتَنِي لَأَفْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ثُمَّ لَاتَيَّنَّهُمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَ عَنْ أَيْمَانِهِمْ وَ عَنْ شَمَائِلِهِمْ وَ لَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ؛^۳ شیطان به خداوند گفت: پس بدان سبب که مرا به بیراهه افکندی، حتماً در کمین آنها بر سر راه مستقیم تو خواهم نشست؛ سپس به آنها از پیش رو و از پشت سرشان و از راست و چپ شان هجوم خواهم آورد، و بیشتر آنها را سپاسگزار نخواهی یافت.

در آیات قرآن بر دشمنی شیطان تأکید فراوانی شده است: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا»^۴ و شیطان را دشمن آشکار انسان شمرده است: «لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ

۱. در بسیاری از ترجمه های فارسی مانند ترجمه آیت الله مکارم شیرازی این ترجمه برای آیه ارائه شده است: «خداوند او را با آگاهی (بر اینکه شایسته هدایت نیست) گمراه ساخت».

۲. مجادله: ۱۹.

۳. اعراف: آیه ۱۶ و ۱۷.

۴. فاطر: ۶.

مُبِينٌ»^۱.

در قرآن بر این نکته تأکید شده است که شیطان بدون همکاری انسان‌ها، هرگز نمی‌تواند کسی را فریب دهد و از یاد خدا غافل نماید. پس از وسوسه‌گری و وعده‌های فریبنده شیطان، هنگامی پیروز خواهد شد که انسان وعده‌های شیطان را باور کند و تسلیم او شود. این اصل گاهی از زبان شیطان بازگو شده و مورد تأیید خداوند قرار گرفته است؛ چنان‌که در آیه ۲۲ سوره ابراهیم آمده است: «وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلْمُزُونِي وَ لَوْمُوا أَنْفُسَكُمْ؛ من بر شما هیچ‌گونه تسلطی نداشتم، جز آنکه شما را دعوت کردم و شما نیز دعوتم را پذیرفتید؛ پس مرا نکوهش نکنید و خود را نکوهش کنید». در سه آیه از قرآن در کلام خدا تصریح شده است که شیطان هرگز تسلطی بر انسان‌ها ندارد. در آیه اول علت تسلط شیطان را فریب خوردن انسان می‌داند: «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ»^۲ و به یقین تو بر بندگان من تسلطی نداری، مگر گمراهانی که از تو پیروی کردند». بر اساس دومین آیه، نداشتن ایمان و توکل به خداوند را عامل سلطه شیطان می‌داند: «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»^۳ و به یقین تو را بر بندگان من تسلطی نیست، جز گمراهانی که از تو پیروی کردند». در سومین آیه برای رهایی از تسلط شیطان بر دو عنصر بندگی و توکل تأکید شده است: «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَ كَفَىٰ بِرَبِّكَ وَ كَيْلًا»^۴ بی‌تردید تو هیچ‌گونه تسلطی بر بندگان فرمانبردار من نخواهی داشت. کافی است که پروردگارت وکیل و کارساز (امور بندگان خود) است».

۳. دنیاگرایی

در قرآن، دنیا یکی از دشمنان انسان معرفی شده است و به دلیل جلوه‌ها و جذابیت‌های فراوانی که دارند، بسیار فریبا و اغواگر است و می‌تواند انسان را از یاد خدا غافل نماید. واژه دنیا، ۱۱۱ بار در قرآن تکرار شده و در همه موارد با «الف و لام» آمده است. در شماری از این آیات، خداوند به مقایسه دنیا و آخرت پرداخته و دنیا را در مقایسه با آخرت ناچیز دانسته است: «فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ»^۵ متاع زندگی دنیا، در برابر آخرت، جز اندکی نیست».

۱. بقره: ۱۶۸.

۲. حجر: ۴۲.

۳. نحل: ۹۹.

۴. اسراء: ۶۵.

۵. توبه: ۳۸.

در برخی آیات در تعریف دنیا، آن را عامل فریب می‌داند: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ»^۱ زندگی دنیا، چیزی جز عامل فریب نیست». بر اساس تعالیم قرآنی، اموال و فرزندان به دلیل جذابیتی که دارند، می‌توانند موجب غفلت انسان از خدا شوند. به همین دلیل در آیه ۹ سوره منافقین، خداوند به مؤمنان هشدار می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَلْهَكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال و ثروت شما و فرزندان شما، شما را از یاد خدا غافل نکند؛ هر کس چنین کند، او زیانکار است».

با اندکی درنگ در قرآن می‌توان دریافت که در تعریف قرآنی، دنیا از مظاهر رحمت و جلوه‌های زیبای آفرینش الهی است. آنچه موجب گمراهی و فریب ما می‌شود، تکاثر و زیاده‌خواهی و دلبستگی افراطی دنیا و مظاهر دنیاست. این دلبستگی افراطی است که ما را از خدا و بندگی خدا غافل می‌کند، نه دنیا و مظاهر آن.

در آیه ۱۳۱ سوره طه نمونه‌ای از اندازهای قرآن نسبت به دشمنی و فریبندگی دنیا اشاره شده است: «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»^۳ و هرگز چشمان خود را به نعمت‌های مادی که به گروه‌هایی از آنان داده‌ایم، میفکن. اینها شکوفه‌های زندگی دنیاست تا آنان را در آن بیازماییم». این انداز با اندکی تفاوت در آیه ۸۸ سوره حجر نیز تکرار شده است.

امام علی علیه السلام شخصی را که به دنیا دشنام می‌داد، نکوهش کرد و او را از این کار منع نمود و نقش دنیا را در رستگاری انسان یادآور شد و به او فرمود: «دنیا، سرای عبرت‌هاست. با وجود پدران و مادران که در زیر خاک آرمیده‌اند؛ بیمارانی که انتظار مرگ را می‌کشند و گریزی از پذیرش مرگ ندارند و آرزوهایی که در قبرها مدفون شده‌اند، چگونه می‌توان فریفته دنیا شد؟»^۴

امام علی علیه السلام در یکی از خطبه‌های نهج البلاغه، در توصیفی زیبا از حقیقت دنیا، آن را به خورشید تشبیه می‌کند و می‌فرماید: نور و گرمای خورشید یکی از مؤثرترین عوامل حیات در کره خاکی زمین است؛ اما اگر چشم به خورشید بدوزیم، باعث نابینایی ما خواهد شد: «وَمَنْ أَبْصَرَ بِهَا بَصَرَتَهُ، وَ مَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَغْمَتَهُ»؛ کسی که با چشم بصیرت دنیا را بنگرد، دنیا موجب آگاهی او خواهد شد و کسی که چشم به دنیا دوزد، نابینا می‌شود»^۵.

۱. آل عمران: ۱۸۵.

۲. منافقون: ۹.

۳. ر.ک: سید روح‌الله موسوی خمینی؛ کشف الاسرار؛ ج ۶، ص ۱۹۷.

۴. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ حکمت ۱۳۱.

۵. همان، خطبه ۸۱.

مال را کز بهر دین باشی حمول
نعم مالّ صالح خواندش رسول^۱
آب در کشتی هلاک کشتی است
آب اندر زیر کشتی پستی است^۲

۳. همسران و فرزندان

قرآن کریم برخی همسران و فرزندان را دشمنان انسان معرفی می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاحِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ»^۳ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برخی همسران و فرزندان شما دشمن شما هستند؛ از آنها بر حذر باشید».

در آیه ۱۵ سوره تغابن و نیز در آیه ۲۸ سوره انفال، فرزندان را در کنار اموال و ثروت‌های مادی، فتنه و آزمون الهی شمرده است: «وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ؛ و بدانید جز این نیست که اموال و اولاد شما، وسیله آزمایش است؛ و [برای کسانی که از عهده امتحان برآیند] پاداش عظیمی نزد خداست». بدیهی است آزمون‌ها همواره به‌گونه‌ای طراحی و تنظیم می‌شوند که برای آزمون شونده، امکان شکست و پیروزی وجود داشته باشد. امتحان و آزمونی که موجب شکست انسان شود، آدمی آن را دشمن خود می‌انگارد. از این‌رو در آیات قرآن، گاهی اموال و اولاد، عامل آزمون انسان و گاهی نیز از دشمنان انسان معرفی می‌شوند.

مال و فرزند از آن رو فتنه نامیده شده‌اند که در آیه ۴۶ سوره کهف، اموال و فرزندان را زیبایی‌های زندگی انسان شمرده و گرایش به زیبایی از ویژگی‌های فطری انسان است. زیبایی و جذابیت‌های آن‌ها می‌تواند موجب غفلت از خدا شود.^۴ بر اساس معیارهای اخلاق قرآنی، هراسناک‌ترین امور دنیایی اموری هستند که ما را از یاد خدا غافل کنند.

۱. ر.ک: مسعود بن عیسی ابن ابی‌فراس؛ تنبیه الخواطر و نزهة النواظر؛ ج ۱، ص ۱۵۸.

۲. سایت گنجور؛ مثنوی معنوی؛ دفتر اول، بخش ۵۰.

<https://ganjoor.net/moulavi/masnavi/daftar1/sh50>

۳. تغابن: ۱۴.

۴. ر.ک: سید محمدحسین طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۹، ص ۳۰۸.

فهرست منابع

۱. ابن ابی فراس، مسعود بن عیسی؛ تنبیه الخواطر و نزهة الناظر؛ چاپ اول، قم: مکتبه فقیهه، ۱۴۱۰ق.
۲. ابن فهد حلی، احمد بن محمد؛ عدة الداعی و نجاح الساعی؛ تصحیح احمد موحدی قمی؛ چاپ اول، [بی جا]: دار الکتب الاسلامی، ۱۴۰۷ق.
۳. جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر تسنیم؛ قم: انتشارات اسرا، ۱۳۹۷ش.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۵. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.
۶. شریف الرضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۷. طباطبائی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۸. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله؛ ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدين؛ قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی؛ ۱۴۰۵ق.
۹. عزت دروزه، محمد؛ التفسیر الحديث؛ قاهره: دار إحياء الكتب العربية، ۱۳۸۳ق.
۱۰. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار؛ چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۱. مصباح یزدی، محمدتقی؛ آیین پرواز؛ تلخیص جواد محدثی؛ چاپ نهم، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمین علیه السلام، ۱۳۹۹ش.
۱۲. مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۱۳. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۹ش.
۱۴. موسوی خمینی، سید روح الله؛ کشف الاسرار؛ [بی جا]، [بی تا].
۱۵. هاشمی شاهرودی، محمود؛ فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۲ش.